



بسم الله الرحمن الرحيم

اسلامی بودن و دائمی بودن ظاهراً به مثابه دو تعبیر مختلف از یک واقعیت، درباره انقلاب اسلامی ایران مطرح می‌شوند، اما هر دو تعبیر حقیقتی یگانه دارند؛ زیرا دائمی بودن لازمه اسلامی بودن انقلاب ماست و اسلامی بودن لازمه دائمی بودن آن است.

نشانه بارز و اصلی این حقیقت عظیم و دردانه حقایق جهان معاصر، استمرار هدف‌گذاری آرمانی آن در جهت گشودن اغلال از پای ملت ایران و همه ملت‌های مسلمان جهان، و آنگاه گشودن راه‌هایی همه مردم جهان از اغلال است: ﴿و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم﴾ (اعراف، ۱۵۷).

طبیعت آن چنین اقتضا می‌کند که ایجاد تحول در خود انسان‌ها و مشارکت دادن مستمر آنان در تغییر سرنوشت جامعه - و جهان خود - به عنوان مشی اساسی و دائمی در نظر گرفته شود و همه تمهیدات رشد فردی و جمعی در این چارچوب تدارک دیده شوند.

چنین تمهیداتی با افزودن مداوم بر کرامت نفس و بزرگی ظرفیت‌های فکری، مردم و تدارک میدان‌های مؤثر به این منظور ملازمه دارد و عرصه انتخابات یکی از همین عرصه‌های جوشش مداوم و فزاینده فهم و درک و ظرفیت و اقتدار است که راه عبور از مرحله نظام‌سازی و ساختارسازی به مرحله جامعه‌سازی و امت‌سازی را نیز به روی معتقدان وفادار به انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن می‌گشاید.

اگر در چارچوب‌های متعارف دموکراسی از انتخابات صرفاً به عنوان سازوکار ابراز رأی مردم و ارزیابی میزان دموکراتیک بودن جامعه و حاکمیت یاد می‌شود، و

این مکانیزم - در عین تقدس بخشی دروغین - در خدمت مدیاکراسی و سیستم‌های مهندسی آرا به نفع قطب‌های قدرت قرار می‌گیرد، در نظام ارزشی جامعه اسلامی توقع موجود از انتخابات و دامنه عملکرد و تأثیر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و حتی اعتقادی آن بسیار فراتر از حد فهم و پذیرش مدعیان دموکراسی است؛ و از جمله همین تفاوت است که مردم‌سالاری اسلامی را بسیار فراتر از دموکراسی مرسوم و متعارف مبتنی بر بنیان‌های اومانیستی و کاپیتالیستی و ملهم از نظریه‌پردازی‌های غربی می‌نشانند.

انتخابات در نظام اسلامی بنا بر تصریح مقام معظم ولایت «امتحان الهی»، «عرصه کارآمدی» و «مظهر حضور» و «دخالت مردم در سرنوشت» خود است و در این صورت هرگز نمی‌تواند تنها یک سازوکار تلقی شود، بلکه هر انتخاباتی میدانی وسیع‌تر از میدان‌های پیشین برای تجدید و تحکیم رابطه اقتدارآفرین با خداوند، و تثبیت ارتباطات متقابل مردم بر محوریت توحید، و مقابله با شرک و قدرت‌طلبی مشرکانه است، که مجالی برای غالب شدن سیاسی کاری و ترک نظارت عدالت‌خواهانه بر عملکرد خود و دیگران باقی نمی‌گذارد.

هر بار که انسان‌ها در میدان‌های بزرگ‌تر از حد تصور قبلی نسبت به ظرفیت‌های خود قرار می‌گیرند، فرصتی برای بزرگ‌تر شدن در اختیارشان گذاشته می‌شود. ذات انقلاب اسلامی زمینه‌ساز چنین برداشت و استفاده‌ای از تمام فرصت‌ها و چالش‌های قابل پیش‌بینی در مسیر استقرار مردم‌سالاری اسلامی است؛ و از جمله شیوه برگزاری و نوع تأکیدات رهبران نظام اسلامی بر محتوا و غایات انتخابات، نشانگر اصرار بر تبدیل نوبت‌های برگزاری انتخابات به چنین فرصت ارجمند و فضیلت‌آفرینی است؛ از این رو شاهدیم که در هر دوره تأکید بر این جنبه انتخابات افزایشی محسوس می‌یابد، و تأثیر آن از چنین جنبه‌ای مشهودتر و حتی بازتاب‌های بین‌المللی آن از همین حیث برجسته‌تر می‌گردد.

چگونگی حضور مردم ایران در انتخابات دوازدهم اسفند ۱۳۹۰ و جمع‌بندی

ترکیب و نتایج آراء که شکل دهنده ترکیب حساس ترین دوره مجلس شورای اسلامی در سال‌های میانی دهه عدالت، و حساس ترین مقطع رویارویی با غرب و نقطه عطف حرکت به سمت افق‌های ترسیم شده در برنامه چشم‌انداز بیست ساله کشور است، به خوبی نشان می‌دهد که خود مردم ایران نیز در پیروی از ضرورت اسلامی و دائمی بودن انقلاب خود نگاهی عمیق‌تر از همیشه به انتخابات پیدا کرده‌اند؛ و توجه به الزامات پاسخ‌گویی به انتظارات ناشی از گسترش بیداری اسلامی در منطقه و جهان نیز به روشنی در رویکرد و عملکرد انتخاباتی آنان بازتاب یافته است.

این پاسخ شایان به ندای برآمده از ذات انقلاب اسلامی البته متأثر از عواملی است که بعضاً با درون‌مایه و پشتوانه‌های الهی و انسانی انقلاب اسلامی در ارتباطند و بر سایر عوامل بیرونی نیز تأثیر می‌گذارند. در این باره از جمله می‌توان به قضاوت نخبگان و عموم مردم درباره عملکرد مجالس پیشین در عرصه‌های قانون‌گذاری و نظارت، مورد تشکیک و تعرض قرار گرفتن جایگاه ویژه مجلس شورای اسلامی در میان قوای سه‌گانه، تشکیک نسبتاً صریح برخی ناهلان در میزان بودن رأی مردم در نظام جمهوری اسلامی، و عزم مردم برای پاسخ مناسب به همه این‌گونه تعرضات، در عین حساسیت عمومی نسبت به اهمیت و کیفیت اولین انتخابات پس از فتنه ۱۳۸۸ اشاره کرد. اما در کنار همه اینها باید خاطر نشان ساخت این انتخابات از حیث ترکیب سنی شرکت‌کنندگان نیز دارای ویژگی‌های الهام‌بخش بود که در آستانه و حین برگزاری انتخابات بدان توجه کافی نشد، اما اکنون با استناد به آثار آن می‌تواند مورد تحلیل جدی قرار گیرد.

برای روشن شدن مطلب لازم است به خمینی علیه السلام در سال ۱۳۴۳ توجه شود که فرموده بودند: «سربازان من در گهواره‌ها هستند».

این جمله در کنار سایر معانی صریحی که دارد، حاکی از اعتقاد عظیم امام به نوزایی ملت است که در سال ۱۳۵۷ به رغم سرخوردگی‌های میان‌سالان آن روز و

بیم آنان از تکرار تجارب پیشین، سبب شد بزرگ‌ترین انقلاب پس از صدر اسلام، با میدان‌داری جوانان و نوجوانان به پیروزی رسد، و به دنبال آن در طول هشت سال دفاع مقدس، حفظ کیان انقلاب و اسلام را با حضور همان رده سنی در میدان‌های نبرد خونین و نبردهای فکری و اعتقادی تضمین کرد.

اکنون در ترکیب سنی جمعیت ایران، رده‌های سنی پنجاه تا هفتاد ساله امروز، افراد یک تا بیست ساله خرداد ۱۳۴۱ هستند که تماماً فارغ از سرخوردگی‌های پیشینیان خود، با تجربه حضور قهرمانانه و پهلوانانه در میدان‌های عقیده و جهاد رشد یافته‌اند. افراد ۳۰ تا ۵۰ ساله امروز نیز مستقیماً در کنار گروه اول تجربه اراده و ایمان آموخته‌اند و سایر جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله، با عبور از چالش‌هایی که سن عقلی و عاطفی آنان را بسیار بالاتر از هم‌سن و سالان غربی قرار می‌دهد، علی‌رغم همه عواملی که ممکن است سبب پاره‌ای دلخوری‌ها باشد، مفهوم حفظ و مدیریت سرنوشت خویش را کاملاً می‌شناسند. به این ترتیب می‌توان گفت کامل‌ترین و پراکنجه‌ترین چهره نشاط انقلابی مردم ایران در آخرین انتخابات نظام جمهوری اسلامی ابتکار عمل را در دست داشته است؛ و این به معنی قرار گرفتن ایران اسلامی در آستانه بروز عالی‌ترین نتایج انطباق ترکیب جمعیتی خود با ضرورت‌ها و الزامات مرحله جامعه‌سازی و امت‌سازی است.

همچنان‌که رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی در تحلیل‌ها و نظریه‌پردازی‌های عمیق خود در چند ماه اخیر تأکید فرموده‌اند، انقلاب دائمی اسلامی ما اکنون در مراحل قابل انطباق با فتح بدر و خیبر قرار دارد؛ و با عبور از پیچ حساسی که نگرانی‌های صهیونیسم از تثبیت موقعیت کنونی انقلاب اسلامی فراروی ما قرار داده است، باید در تدارک مرحله قابل انطباق با فتح مکه باشد. چنین کاری طبعاً لشکریان هوشمند مخصوص خود را می‌خواهد که ترکیب کنونی جمعیت ایران کاملاً با آن موافق و منطبق است؛ و بدون شک با شروع کار مجلس جدید شاهد جلوه‌ای روشن از آثار آن خواهیم بود. به علاوه، همین ترکیب جمعیتی، پایبندی

آحاد ملت به ضرورت نظارت مستمر بر عملکرد برگزیدگان خود، و اعمال بصیرت مستمر در پاسداری از حریم ارزش‌ها و الزامات، دائمی و اسلامی بودن انقلاب را تضمین می‌کند؛ و این نکته بنیانی‌ترین دلیل ترس استکبار از ملت - و نه از توانایی‌های صنعتی، نظامی و هسته‌ای - ایران است.

به گفته برخی صاحب‌نظران، ما اکنون وارد دوره مهم و سرنوشت‌سازی به نام رویارویی سوم ایران و غرب شده‌ایم. این رویارویی بخشی از همان پیچ بزرگ تاریخی است که رهبر عظیم‌الشان انقلاب از آن یاد می‌کند؛ و البته با مدیریت صحیح انگیزه‌ها و بصیرت‌ها و توانایی‌ها می‌تواند به نعمتی بزرگ تبدیل شود. بیداری اسلامی یکی از دلایل امید به نعمت‌های بزرگ چنین مرحله‌ای از چالش با بنیان‌های امپریال - صهیونیسم جهانی است.

از سوی دیگر، همه شواهد نشان می‌دهد که ایران اسلامی تعیین‌کننده سرنوشت اقتصاد آینده جهان - به‌ویژه با اتمام منابع نفت انگلیس و آمریکا در کمتر از ده سال آینده - خواهد بود. اما در کنار این ویژگی‌ها و تمام پیشرفت‌هایی که ایران اسلامی را به الگوی بیداری، الگوی استقلال، الگوی حیات ارزش‌مدار و الگوی مقابله با تمامی بنیان‌های طاغوتی در همه عرصه‌ها تبدیل می‌کند، ترکیب جمعیتی جامعه کنونی ایران از حیث بافت سنی، میدان‌ها و تجارب رشد، بافت تحصیلی، بافت اعتقادات دینی و سیاسی و... عاملی تعیین‌کننده به شمار می‌رود که بخشی از اثرگذاری آن در انتخابات اسفند ماه ۱۳۹۰ مشاهده شد و ان شاء الله مدیریت صحیح چنین عاملی، در آینده‌های نزدیک و دور برکات عمده‌تر آن را مشهود خواهد ساخت.

والسلام علیکم ورحمة الله

علی محمدی

نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه